



دکتر فریدون سیامکنژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌کنیم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌کنیم، بستگی به نوع کاری که داریم، همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مسأله یا احوانا خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد.

بنابراین، تصمیم گرفتم تا مسائلی به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسائلی جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

یادداشت ۱

گران نیست، نفس راحتی کشید و دارو را گرفت و دستور مصرفش را هم پرسید و رفت. این روزها از این گونه برخوردها با ریشه اقتصادی، زیاد در داروخانه دیده می‌شود.

یادداشت ۳

در داروخانه باید توجه داشته باشیم که هر مراجعه‌کننده‌ای که دارویی را تقاضا می‌کند، با این قید که دارو باید OTC باشد، قبل از این که تحویلش دهیم، سؤال کنیم که برای چی می‌خواهد! جوان ۲۵ ساله‌ای بود که برای خانمش دارو می‌خواست. تقاضای یک ورق قرص دیفن‌هیدرامین داشت. طبق عادت سؤال کردم که برای چی می‌خواهد؟

گفت: برای جلوگیری از تهوع ناشی از مسافرت خانمش که در طول سفر، مشکل‌آفرین خواهد بود. متوجه شدم که قرص دیمن‌هیدرینات می‌خواهد! یک برگ قرص دادم و دستور مصرفش را هم گفتم و راهی‌اش کردم.

یادداشت ۴

داروهای نسخه‌اش را که گرفت، سؤال کرد که این داروها عوارض هم دارد؟ برایش توضیح دادم که عوارض داروها در چه مواردی دیده می‌شود. در ضمن از ایشان پرسیدم که داروها برای چه کسی است؟ پاسخ داد که برای شوهرم است. به ایشان تذکر دادم که داروها برای عفونت مجاری ادرار است و یکی از داروها (فنازوپیریدین) باعث قرمز شدن رنگ ادرار می‌شود که مسأله‌ای نیست و با

یکی از مشکلاتی که برای افراد پیش می‌آید، نوع پوشش فرد است. به‌طور مثال، کسی که کفش تنگ می‌پوشد، امکان دارد که مشکلاتی برای پایش پیش بیاید. گاهی تولید میخچه در پا می‌شود، گاهی هم انگشتان دچار مشکل می‌شوند. مراجعه‌کننده سؤال کرد که سیاه شدن ناخن از چه می‌شود؟ چند سؤال کردم و معلوم شد که کفش تنگ پوشیده است! کفش فشار آورده و باعث پاره شدن عروق زیر ناخن و سیاهی شده است. پرسیدم درد ندارد؟ پاسخ بیمار منفی بود.

اگرچه نظر من این بود که اگر از دمپایی استفاده کند یا کفش راحتی، خودش خوب می‌شود، ولی توصیه کردم برای اطمینان خاطر به یک متخصص پوست نیز نشان دهد.

یادداشت ۲

خانمی که بچه‌ای به بغل داشت وارد داروخانه شد. وقتی جلوی پیش‌خوان داروخانه قرار گرفت، خطاب به من گفت: آقای دکتر! این بچه چند روزی است که شکمش کار نمی‌کند. این مسأله باعث شده که از دل درد نیز گاهی به خودش بیچد. کمی راجع به دل‌درد و کار نکردن شکم بچه‌اش سخنرانی کرد. صحبت‌هایش که تمام شد، سؤال کردم چه خدمتی از من ساخته است؟ از من یک عدد شیاف ملین و به قول خودش شیاف کارکن می‌خواست. برایش توضیح دادم که اگر شربت انجیر استفاده کند، اثر بهتری خواهد داشت. اول قیمتش را پرسید و وقتی متوجه شد که خیلی

هم ضداحتقان دارد و هم آنتی‌هیستامین دارد. البته باید مریض را قانع کرد که داروی دردش همین است. مگر این که پزشک معالج، نظر دیگری داشته باشد.

یادداشت ۶

دست بچه‌ای را در دست داشت که وارد داروخانه شد. یکی دو مورد دارو می‌خواست. یک عدد شامپو هم برای بچه‌اش گرفت. البته بچه نسبتاً شلوغی بود و اگر کار مادرش در داروخانه زودتر انجام نمی‌شد، هیچ بعید نبود که به تدریج داروخانه را روی سرش بگذارد.

خوش‌بختانه کارهای دارویی ایشان تمام شد و دست آخر رو به من کرد و با اشاره به بچه‌ای که فعلاً دستش در دست مادرش بود، گفت: آقای دکتر! اگر دارویی برای قد کشیدن این بچه وجود دارد لطفاً بدهید. اگرچه بچه‌ای که با او بود ده ساله بود (طبق گفته مادرش)، ولی از نظر قد و قواره به بچه‌های ۵ ساله می‌خورد.

من هم با توجه به شلوغی بیش از حد بچه، به مادرش گفتم: قد کشیدن مهم نیست، بزرگ شدن مهم است!

خون ادراری اشتباه نشود. هنوز حرفم تمام نشده بود که مثل برق گرفته‌ها پاسخ داد که شوهرم می‌ترسد این دارو را بخورد. دفعه قبل هم که برایش تجویز شده بود، همین‌طور بود. به ایشان گفتم که این دارو برای شستشوی مجاری ادرار در عفونت‌های ادراری است و رنگ ادرار بعد از قطع دارو طبیعی می‌شود. امیدوارم که قانع شده باشد، تا شوهرش را هم قانع کند تا دارویش را مصرف نماید.

یادداشت ۵

فصل بهار را باید فصل حساسیت نامید. گرده‌افشانی گیاهان باعث می‌شود که علایمی در افراد به‌وجود آید که خیلی شبیه به سرماخوردگی است. عطسه دارد. آبریزش بینی دارد. التهاب چشم دارد. خارش بینی دارد. خلاصه باید مواظب باشیم که با سرماخوردگی اشتباه نشود. خیلی‌ها هم چون فکر می‌کنند سرما خورده‌اند، تقاضای آنتی‌بیوتیک هم از داروخانه دارند! این را هم باید در نظر داشته باشیم که از هر ده نفری که به داروخانه مراجعه می‌کنند، حداقل ۴ تا ۵ نفرشان حساسیت دارند. به‌ترین دارویی هم که در این زمینه وجود دارد، قرص آنتی‌هیستامین دکونژستانت است. چون

